

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

سُبْحَانَ الَّذِي - أُسْرِيَ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (1)

مقدس است آنکه برد بنده خود را شبی از المسجد الحرام (مسجد مقدس) به سوی المسجد الاقصى (مسجد دورتر) آنکه برکت کردیم دورا دور آن را تا بنمائیم او را از بعضی نشانه های ما. هر آئینه او، او است شنوا، بینا. (1)

وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلاً (2)
و دادیم ما موسی را کتاب و ساختیم ما آن را هدایت برای اولاده اسرائیل، اینکه نگیرید از غیر من نگهبانی. (2)

ذُرِّيَّةً مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا (3)

نسلی کسی که برداشتیم ما همراه نوح. هر آئینه او بود بنده سپاس گذار. (3)

وَ قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ تَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا (4)
و اعلام کردیم ما به سوی اولاده اسرائیل در کتاب (تورات): البته می کنید فساد در زمین دو بار و البته می کنید سرکشی بزرگی. (4)

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا (5)

پس وقتیکه آمد وعده اول از آن دو وعده برانگیختیم ما بر شما بنده گان ما را خداوندان جنگ سخت پس جستجو کردند میان خانه ها را. و بود وعده شدنی. (5)

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (6)

باز دوباره دادیم ما برای شما غلبه بر ایشان و یاری دادیم شما را به ثروت و فرزندان و ساختیم شما را بیشتر در تعداد. (6)

إِنِ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنِ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَّبِعُوا مَا عَلَّمْتُمْ أَنَّهُمْ كَافِرِينَ (7)

اگر نیکوکاری کردید، نیکوکاری کردید برای خودتان؛ و اگر بدکاری کردید پس برای خودتان. پس وقتیکه آمد وعده آخر تا غمگین سازند رو های شما را و تا درآیند مسجد را چنانچه درآمدند آن را اول بار و تا از بین ببرند آنچه غالب شدند (بر آن) از بین بردنی. (7)

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَ إِنِ عُدْتُمْ عُدْنَا وَ جَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا (8)

شاید پروردگار شما اینکه رحم کند بر شما. و اگر بر گردید شما (به نافرمانی) بر گردیم ما

(به عقوبت). و ساختیم ما دوزخ را برای نامعتقدان زندان تنگ. (8)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (9)

هر آئینه این قرآن می کند رهنمائی برای آنکه او است نهایت ایستاده و می دهد مژده ایمان آورنده گان را آنانکه می کنند کار های شائسته اینکه برای ایشان است مزدی بزرگی. (9)

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (10)

و اینکه آنانکه نمی آورند ایمان به آخرت آماده ساخته ایم ما برای ایشان عذاب درد دهنده ئی. (10)

وَاذْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ صلى وَ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا (11)

و می کند دعا انسان به بدی (مانند) دعای او به نیکوئی؛ و هست انسان شتاب کننده. (11)

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ صلى فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَ جَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَ الْحِسَابَ وَ كُلَّ شَيْءٍ فَصَلَّنَاهُ تَفْصِيلًا (12)

و ساختیم ما شب را و روز را دو نشانه؛ پس بی نور ساختیم ما نشانه شب را و ساختیم ما نشانه روز را درخشان و تابان تا طلب کنید فضلی را از جانب پروردگار خود و تا بدانید شمار سال ها را و حساب را. و همه چیز را بیان کردیم ما آن را به تفصیل. (12)

وَ كُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ صلى وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا (13)

و هر انسانی را بسته ایم ما او را عملش را در گردن او؛ و بیرون می آوریم ما برای او روز قیامت نامه که می بیند آن را باز کشاده. (13)

اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (14)

بخوان نامه خود را بس است به نفس تو امروز بر تو حساب گیرنده. (14)

مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ صلى وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ صلى وَ مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا (15)

کسی که راه یاب شد پس جز این نیست که می شود راه یاب برای (نفع) نفس خود؛ و کسی که گمراه شد پس جز این نیست که می شود گمراه بر ضد خود. و نمی بردارد بردارنده بار دیگری را. و نیستیم ما عذاب کننده تا اینکه فرستیم پیغمبری را. (15)

وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُنْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا (16)

و وقتی که بخواهیم ما اینکه هلاک کنیم شهری را فرمان می دهیم ما ثروتمندان آن شهر را پس به قصد نافرمانی کنند در آن شهر پس ثابت شد بر ضد آن سخن پس برهم زنییم ما آن را برهم زدنی. (16)

وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ صلى وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (17)

و چه بسا که هلاک کردیم ما از شهرها (نسلها) از بعد نوح. و بس است پروردگار تو به گناهان بنده گان خود آگاه، بینا. (17)

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَذْحُورًا (18)

کسی که است می خواهد فوری را (زنده گانی زود گذر دنیا را) شتاب کنیم برای او در آن آنچه می خواهیم ما برای کسی که می خواهیم باز ساخته ایم برای او دوزخ را درآید در آن سرزنش شده، رانده شده. (18)

وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (19)

و کسی که بخواد آخرت را و کوشش کند برای آن کوشش آن را و او ایمان آورنده است پس آنها است کوشش شان سپاس گذاری کرده شده. (19)

كُلًّا نُمِدُّ هِيَ أَوْ لَآءٍ وَ هِيَ أَوْ لَآءٍ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ رَبُّكَ مَخْطُورًا (20)

هر کس را پی در پی می دهیم اینان را و آنان را از بخشش پروردگار تو. و نیست بخشش پروردگار تو محدود شده. (20)

انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَ لِلآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَ أَكْبَرُ تَفْضِيلًا (21)

ببین چگونه برتری دادیم بعضی از ایشان را بر بعضی. و البته (در) آخرت بزرگتر است مراتب و بزرگتر است برتری دادن. (21)

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُومًا (22)

نساز (نگیر) همراه خدا معبود دیگری پس بنشینی سرزنش شده، ترک شده. (22)

وَ فَضَّلْنَا رَبُّكَ إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌّ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (23)

و اعلام کرد پروردگار تو اینکه نپرستید مگر تنها او را و با پدر و مادر نیکویی کردن. اگر برسد به پیش تو کلان سالی را یکی از آن دو یا هر دوی ایشان پس نگو به ایشان: اف و نزن فریاد بر ایشان و بگو برای ایشان: سخن محترمانه. (23)

وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (24)

و فرو آور برای ایشان بال فروتنی از رحمت و بگو: پروردگارا رحم و مهربانی کن بر هر دوی ایشان چنانچه که کلان ساختند مرا در کوچکی. (24)

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَادِقِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ غُفُورًا (25)

پروردگار شما دانا ترین است به آنچه در نفس های شما است. اگر باشید شائسته کاران پس هر آینه او است برای کسانی که اکثراً بر میگردند به او به توبه نهایت آمرزنده. (25)

وَ ءَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمِسْكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (26)

و بده صاحبان قرابت را حق او را و فقیر را و مسافر مانده در راه را و نکن زیاده روی،
زیاده روی کردن. (26)

إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ صلى وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (27)
هر آئینه زیاده روی کننده گان هستند برادران شیطان ها؛ و هست شیطان به پروردگار خود
ناسپاس. (27)

وَ إِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا (28)
و اگر رو بگردانی از ایشان به طلب رحمتی از پروردگارت که امید داری آن را پس بگو
برای ایشان: سخن ملایم. (28)

وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ أَعُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (29)
و نساز دست خود را بسته شده به سوی گردن خود و نگشا آن را تمام گشادن پس بنشینی
ملامت کرده شده، در مانده شده. (29)

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ صلى إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (30)
هر آئینه پروردگار تو می گشاید روزی را برای کسی که می خواهد و تنگ می سازد.
هر آئینه او است به بنده گان خود آگاه، بینا. (30)

وَ لَا تَقْتُلُوا صلى أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ صلى نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ صلى إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا (31)
و نکشید فرزندان خود را از ترس فقر و بیچاره گی؛ ما روزی می دهیم ایشان را و شما را.
هر آئینه کشتن ایشان است گناهی بزرگی. (31)

وَ لَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ صلى إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا (32)

و نشوید نزدیک به زنا. هر آئینه آن است بی حیائی (گناه بزرگ) و بد راه. (32)
وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ صلى وَ مَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا
يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ صلى إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا (33)

و نکشید نفس را آنکه منع کرده است خدا مگر به حق. و کسی که کشته شد به ستم پس به
یقین ساخته ایم ما برای سرپرست او صلاحیت پس نگذر از حد در کشتن. هر آئینه او است
یاری داده شده. (33)

وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ صلى وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ صلى إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ
مَسْئُولًا (34)

و نشوید نزدیک به دارائی یتیم مگر به آنکه آن نیک تر است تا اینکه برسد به حد قوت
خود؛ و وفا کنید به وعده؛ هر آئینه وعده است پرسیده شدنی. (34)

وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُنْتُمْ بِالْقُسْطِ صلى الْمُسْتَقِيمِ صلى ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا (35)
و وفا کنید پیمانانه را وقتیکه می پیمانید، وزن کنید به ترازوی راست. این بهتر است و نیکو

تر در عاقبت. (35)

و لَا تَفُفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا
(36)

و نرو پی آنچه که نیست ترا به آن دانش. هر آئینه شنوائی و بینائی و دل ها همه اینها است
از خود پرسیده شدنی. (36)

و لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۚ إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا (37)

و نرو در زمین خرامان و مغرورانه؛ هر آئینه تو هرگز نمی توانی بشگافی زمین را و
هرگز نرسی کوه ها را در درازی. (37)

كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا (38)

همه این ها است بدی آن نزد پروردگار تو ناپسندیده. (38)

ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ ۚ وَ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا
مَذْحُورًا (39)

این است از آنچه که وحی فرستاده است به سوی تو پروردگار تو از هوشیاری. و نساژ
همراه خدا معبود دیگری پس انداخته شوی در دوزخ ملامت کرده شده، رانده شده. (39)

أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَ اتَّخَذَ مِنَ الْمَلَأِئِكَةِ إِنثَاءً ۚ إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا (40)

آیا برگزید شما را پروردگار شما با پسران و گرفت (خودش) از فرشته گان دختران؟
هر آئینه شما البته می گوئید سخنی بزرگی. (40)

وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَ مَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (41)

و البته به یقین بیان کردیم ما در این قرآن تا پند گیرند و نمی افزاید ایشان را مگر نفرتی.
(41)

قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَآتَيْنَعُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا (42)

بگو: اگر می بود همراه او معبودان چنانچه که می گویند آن وقت البته طلب می کردند به
سوی خداوند عرش راهی. (42)

سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا (43)

پاک و مقدس است او و بلند است از آنچه می گویند بلندی بزرگی. (43)

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ ۚ وَ إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ ۚ وَ لَكِنْ لَا
تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ۚ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (44)

به پاکی یاد می کند برای او آسمان های هفت گانه و زمین و کسی که در آن ها است. و
نیست از چیزی مگر به پاکی یاد می کند به ستائش و سپاس او ولیکن نمی فهمید به پاکی یاد
کردن ایشان را. هر آئینه او است برده بار، آمرزنده. (44)

وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا (45)
و وقتی که خواندی قرآن را ساختیم ما میان تو و میان آنانکه نمی آورند ایمان به آخرت پرده پوشیده. (45)

وَ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوُوا عَلَىٰ- أَدْبَرِهِمْ نُفُورًا (46)

و ساختیم ما بر دل های شان پرده ها و پوششها تا نفهمند آن را و در گوش های ایشان سنگینی را. و وقتی که یاد کردی پروردگارت را در قرآن یگانه او را، بر گشتند بر پشت های ایشان نفرت کنان. (46)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ- إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَ إِذْ هُمْ نَجْوَى- إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا (47)

ما داناتریم به آنچه گوش می دهند به آن وقتی که گوش می دهند به سوی تو و وقتی که ایشان راز گوئی کردند چون می گویند ستم گاران: نمی کنید پیروی مگر مرد جادو کرده شده ئی را. (47)

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (48)
ببین چگونه زدند برای تو مثال ها (تشبیهات) پس گمراه شدند پس نمی توانند (بیابند) راهی. (48)

وَ قَالُوا- أَعِذَا كُنَّا عِظْمًا وَ رُفَاتًا أَعِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (49)
و گفتند: آیا وقتی که شویم ما استخوانی و از هم شکسته و پراکنده آیا ما البته برانگیخته می شویم (به) آفرینش نو؟ (49)

قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا (50)

بگو: باشید سنگی یا آهنی. (50)

أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَ يَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا (51)

یا آفرینشی از آنچه می نماید بزرگ در سینه های شما. پس خواهند گفت: چه کسی برگرداند ما را (زنده)؛ بگو: آنکه آفرید شما را نخست بار. پس خواهند جنبانید به سوی تو سر های شان را و می گویند: چه وقت باشد آن؛ بگو: شاید اینکه باشد نزدیک. (51)

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَ تَظُنُّونَ إِنْ لَبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا (52)

روزی که می خواند شما را (خدا) پس جواب می دهید با ستائش و سپاس او و گمان می کنید که نمانده بوده اید (در زمین) مگر اندکی. (52)

وَ قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا

مُبِينًا (53)

و بگو برای بنده گان من: بگوئید آنکه آن بهترین است (بهترین سخن با نامعتقدان). هر آئینه شیطان می افکند نزاع میان شان. هر آئینه شیطان است برای بشر دشمن آشکار. (53)

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ ^{مسی} إِنْ يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ، وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكَيْلًا (54)

پروردگار شما داناتر است به (حال) شما؛ اگر بخواهد می کند رحم بر شما و اگر بخواهد می کند عقوبت شما را. و نفرستادیم ما ترا بر ایشان نگاهبان. (54)

وَ رَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ ^{مسی} وَ لَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ ^{مسی} وَ آتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا (55)

و پروردگار تو داناتر است به کسی که در آسمان ها و زمین است. و البته به یقین برتری دادیم ما بعضی پیغمبران را بر بعضی؛ و دادیم ما داوود را زبور را. (55)

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِهِ، فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَ لَا تَحْوِيلًا (56)

بگو: بخوانید آنان را که ادعا کردید (خدا) از غیر او پس نمی توانند برداشتن سختی را از شما و نه تغیر دادن. (56)

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَ يَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَ يَخَافُونَ عَذَابَهُ ^{مسی} إِنْ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا (57)

آنها آنانکه می پرستند، می طلبند به سوی پروردگار ایشان وسیله (نزدیکی را)، کدام یک از ایشان نزدیک تر است و امید دارند رحمت او را و می ترسند عذاب او را. هر آئینه عذاب پروردگار تو است ترسناک. (57)

وَ إِنْ مِّنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا، كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (58)

و نیست از شهری مگر ما می کنیم هلاک آن را پیش (از) روز قیامت یا می کنیم عذاب آن را عذاب سخت. است این در کتاب (لوح محفوظ) نوشته شده. (58)

وَ مَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ، وَ آتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَاءَ وَ مَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا (59)

و نداشت باز ما را از اینکه بفرستیم نشانه ها مگر اینکه به دروغ نسبت کردند آنها را پیشینیان. و دادیم ما ثمود را ماده شتر را (نشانه) درخشان پس ستم کردند به آن. و نمی فرستیم نشانه ها را مگر ترسی (برای ترسانیدن). (59)

وَ إِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ، وَ مَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي - أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ، وَ نَخَوْفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا (60)

و وقتی که گفتیم ما برای تو که: هر آئینه پروردگار تو در بر گرفت مردم را. و نساختم دیداری را آنکه نشان دادیم ما ترا مگر آزمانشی برای مردم و درخت لعنت کرده شده را در

قرآن (مگر آزمائش). و می ترسانیم ما ایشان را پس نمی افزاید ایشان را مگر سرکشی بزرگی. (60)

وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْۤاۗ اِلَّاۤ اِبْلِیْسَ قَالَ اَسْجُدْ لِمَنْ خَلَقْتَ طٰیۡنًا (61)
و چون گفتیم ما برای فرشته گان سجده کنید برای آدم پس سجده کردند مگر ابلیس گفت: آیا سجده کنم من برای کسی که آفریدی از گل؟ (61)

قَالَ اَرَاۤیْتَكَ هٰذَا الَّذِیْ كَرَّمْتَ عَلٰی لَیۡنٍۭ اٰخَرْتَنِۭ اِلَیَّ یَوْمِ الْفِیۡمَةِ لَاۤ اَخْتِیۡكَۤ ذُرِّیَّتُهٗۙ اِلَّا قَلِیۡلًا (62)
گفت: آیا دیدی تو این را آنکه گرامی کردی بر من البته اگر مهلت دهی مرا تا روز قیامت البته بگیرم و گمراه سازم نسل او را مگر اندکی. (62)

قَالَ اِذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَاِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَآءً مَّوْفُوْرًا (63)
گفت: برو پس کسی که پیروی کند ترا از ایشان پس هر آئینه دوزخ سزای شما است سزای بسیار کامل. (63)

وَ اسْتَفْزَزْ مَنْ اسْتَطَّعَتْ مِنْهُمۡ بَصُوۡتُكَ وَ اَجْلِبْ عَلَیْهِمْ بِخَیۡلِكَ وَ رَجِلِكَ وَ شَارِكُهُمْ فِی الْاَمْوَالِ وَ الْاَوْلَادِ وَ عَدُوۡهِمْۙ وَ مَا یَعۡدُهُمُ الشَّیۡطٰنُ اِلَّا غُرُوْرًا (64)

و از جا بجنبان کسی را که می توانی از ایشان را به صدای خود و حمله کن (صدان زن) بر ایشان با سواران خود و پیاده گان خود و شریک شو با ایشان در دارائی و فرزندان و وعده ده ایشان را. و نمی دهد وعده ایشان را شیطان مگر فریبی. (64)

اِنَّ عِبَادِیۡ لَیْسَ لَكَ عَلَیْهِمْ سُلْطٰنٌۙ وَ كَفٰیۤ اِبْرٰٓءَکَ وَ کِیۡلًا (65)
هر آئینه بنده گان من نیست برای تو بر ایشان تسلط. و بس است پروردگار تو نگهبان. (65)

رَبُّكُمُ الَّذِیْ یُزۡجِی لَكُمُ الْفُلۡکَ فِی الْبَحْرِ لِتَبۡتَغُوْۤا مِنْ فَضۡلِهٖۙ اِنَّهٗ كَانَ بِكُمۡ رَحِیۡمًا (66)
پروردگار شما آن که می راند برای شما کشتی را در بحر تا طلب کنید (معیشت) از فضل او. هر آئینه او است به شما مهربان. (66)

وَ اِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِی الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُوْنَ اِلَّاۤ اِیَّاهُۙ فَلَمَّا نَجَّكُمۡ اِلَی الْبَرِّ اَعۡرَضۡتُمْۙ وَ كَانَ الْاِنۡسٰنُ كَفُوْرًا (67)

و وقتی که رسید شما را سختی در بحر گم شد کسی که می خوانید مگر تنها او؛ پس چون نجات داد شما را به سوی خشکه رو برگردانیدید شما. و است بشر ناسپاس. (67)

اَفَاَمِنۡتُمْۤ اَنْ یَّخۡسِفَ بِكُمۡ جَانِبَ الْبَرِّ اَوْ یُرۡسِلَ عَلَیۡكُمۡ حَاصِبًاۙ ثُمَّ لَا تَجِدُوْۤا لَكُمۡ وَ کِیۡلًا (68)
آیا پس ایمن شدید شما اینکه فرو برد شما را در گوشه از خشکه یا بفرستد بر شما طوفان سنگباران باز نیابید برای خود نگهبانی؟ (68)

اَمْ اَمِنۡتُمْۤ اَنْ یُعِیۡدَکُمۡ فِیۡهٖ تَارَةًۭ اٰخَرٰیۙ فِیُرۡسِلَ عَلَیۡكُمۡ قَاصِیۡفًا مِّنَ الرِّیۡحِ فِیُعۡرِقَکُمۡ بِمَا كَفَرۡتُمْۙ ثُمَّ لَا تَجِدُوْۤا لَكُمۡ عَلَیۡنَاۤ بِهٖ نَبِیۡعًا (69)

یا ایمن شدید اینکه برگرداند شما را در آن (بحر) بار دیگر پس بفرستد بر شما طوفانی شدیدی از شمال پس غرق کند شما را به سبب آنکه نامعتقدی کردید؟ باز نیابید برای خود بر ما به آن تعقیب کننده. (69)

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (70)

و البته به یقین گرامی ساختیم ما فرزندان آدم را و برداشتیم ما ایشان را در خشکه و بحر و روزی دادیم ما ایشان را از پاکیزه ها و برتری دادیم ایشان را بر بسیاری از آنچه آفریدیم ما برتری دادن. (70)

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَ لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (71)

روزی که بخوانیم همه مردم را با نامه اعمال ایشان؛ پس کسی که داده شد نامه اعمال او به دست راست او پس آنها می خوانند نامه اعمال شان را و نمی شوند ستم (به اندازه) تار خسته خرما. (71)

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا (72)

و کسی که است در این جا کور پس او در آخرت است کور و گمراه ترین از راه. (72)

وَ إِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ صلى وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ خَلِيلًا (73)

و هرآینه نزدیک بودند البته به فریب باز دارند ترا از آنکه وحی فرستادیم ما به سوی تو تا بربندی بر ما غیر آن را؛ و آنوقت البته می گرفتند ترا دوست صمیمی. (73)

وَ لَوْ لَا أَنْ تَبْتَدِكَ لَقَدْ كُنْتَ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا (74)

و اگر نبود اینکه استوار داشتیم ترا البته به یقین نزدیک بودی که میل کنی به سوی ایشان چیزی اندکی. (74)

إِذَا لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَ ضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا (75)

آنوقت البته می چساندیم ترا دو چند (عذاب در) زنده گی و دو چند (عذاب بعد از) مرگ، باز نمی یافتی برای خود بر ضد ما مدد کننده. (75)

وَ إِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا صلى وَإِذَا لَا يَلْبُثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا (76)

و هرآینه نزدیک بودند البته بجنباندند ترا از سرزمین (مکه) تا بیرون کنند ترا از آنجا؛ و آنوقت نمی ماندند بعد از تو مگر اندکی. (76)

سَنَّةً مِنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا صلى وَ لَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا (77)

روش کسی که به یقین فرستادیم ما پیش (از) تو از پیغمبران ما؛ و نیایی برای (در) روش ما تبدیلی. (77)

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ **صلى** إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (78)
برپا دار نماز را از وقت زوال آفتاب تا تاریکی شب و قرآن صبح را (نماز صبح)؛ هر آئینه
قرآن صبح است مشاهده شده. (78)

وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ **عسى** - أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (79)
و از شب پس (بیدار شو از خواب و) نماز تهجد بخوان در آن زیاده شده برای تو، نزدیک
است اینکه بلند سازد ترا پروردگار تو به مقام ستوده شده. (79)
وَ قُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا
(80)

و بگو: پروردگارا در آر مرا در آوردن راستین و بیرون آر مرا بیرون آوردن راستین و
بساز برای من از جانب خود قدرتی یاری دهنده. (80)

وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (81)
و بگو: آمد حق و نابود شد باطل. هر آئینه باطل است نابود شدنی. (81)

وَ نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (82)
و فرو می فرستیم ما از قرآن آنچه آن است شفا و رحمت برای ایمان آورنده گان و نمی
افزاید ستم گاران را مگر زیان. (82)

وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نُنَّا بِيَجَانِبِهِ **صلى** وَ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يُوسِسًا (83)
و وقتی که دادیم ما نعمت به بشر رو گرداند و پیچاند بازوی خود را؛ و وقتی که رسید او را
بدی می باشد مایوس. (83)

قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا (84)
بگو: همه می کند عمل بر روش خود پس پروردگار شما دانا ترین است به کسی که او است
یابنده تر راه را. (84)

وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ **صلى** قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَ مَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (85)
و می پرسند ترا از روح؛ بگو: روح از کار پروردگار من است و نشده اید داده شما از
دانش مگر اندکی. (85)

وَ لَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي - أَوْ حِينَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا (86)
و البته اگر می خواستیم ما البته می بردیم آنچه وحی کردیم ما به سوی تو باز نیابی برای
خود به سبب آن بر ضد ما نگهبانی. (86)

إِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا (87)
مگر رحمتی از جانب پروردگار تو، هر آئینه فضل او است بر تو بزرگ. (87)

قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلَىٰ - أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (88)

بگو: البته اگر جمع شود بشر و جن بر اینکه بیاورند به مانند این قرآن نیاورند به مانند آن و اگر چه باشد بعضی ایشان برای بعضی مدد دهنده. (88)

وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ - أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (89)

و البته به یقین بیان کردیم ما برای مردم در این قرآن از هر مثلی پس رد کردند بسیاری مردم مگر ناسپاسی را. (89)

وَ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا (90)

و گفتند: هرگز نیاوریم باور به تو تا جاری سازی برای ما از زمین چشمه ئی. (90)

أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَ عِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارُ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا (91)

یا باشد برای تو بوستانی از درختان خرما و انگور پس جاری سازی جوی ها در میان آنها روان بودنی (فراوان). (91)

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِي بِلِقَاءِ رَبِّنَا وَمَلَىٰ - نِكَّةً قَبِيلًا (92)

یا فرود آری آسمان را چنانکه ادعا کردی تو بر ما پارچه، پارچه یا بیاوری خدا را و فرشته گان را رو به رو. (92)

أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرِفٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ وَ لَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا (93)

یا باشد برای تو خانه از زرنگاری یا بالا روی در آسمان و هرگز نکنیم باور برای بالا رفتن تو را تا آنکه فرو آوری بر ما کتابی که بخوانیم آن را. بگو: پاک است پروردگار من، آیا هستم من مگر بشری، پیغمبری؟ (93)

وَ مَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا - إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ - إِلَّا أَنْ قَالُوا - أَلْبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا (94)

و نکرد منع مردم را اینکه ایمان بیاورند وقتیکه آمد ایشان را هدایت مگر اینکه گفتند: آیا فرستاده است خدا بشری را پیغمبر؟ (94)

قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَىٰ - نِكَّةً يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا (95)

بگو: اگر بودی در زمین فرشته گان قدم زنان به اطمینان البته می فرستادیم ما بر ایشان از آسمان فرشته را پیغمبر. (95)

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (96)

بگو: بس است خدا گواه میان من و میان شما. هرآنینه او است به بنده گان خود آگاه، بینا. (96)

وَ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يَضِلَّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَ نَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

عَلَىٰ أَوْجُوهِهِمْ عُمِيًّا وَبُكْمًا وَصُمَّاصًا مِّمَّا وَجْهَهُمْ جَهَنَّمَ صُلًىٰ كُلَّمَا حَبَتِ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا (97)

و کسی را که می کند هدایت خدا پس او است هدایت یافته؛ و کسی را که می کند گمراه (خدا) پس هرگز نیایی برای ایشان دوستان از غیر او؛ و جمع می کنیم ایشان را روز قیامت بر روی های شان، کور و گنگ و کر؛ جایگاه ایشان دوزخ است؛ هر وقت فرو نشینند (آتش) بیفزایم ایشان را آتش شعله وری. (97)

ذَلِكَ جَزَاءُ هُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَيْنَا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (98)

این است جزای ایشان به سبب آنکه ایشان نامعتقد شدند به آیت های (نشانه های) ما و گفتند: آیا وقتی که شویم ما استخوانی و از هم شکسته و پراکنده آیا ما البته برانگیخته می شویم (به) آفرینش نو؟ (98)

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا (99)

آیا ندیدند که خدا آنکه آفرید آسمان ها و زمین را توانا است بر آنکه بیافریند مانند ایشان را و ساخت برای ایشان وقت معینی، نیست شبه در آن، پس رد کردند ستم گاران مگر نا معتقدی را. (99)

قُلْ لَوْ أَنَّكُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَنُورًا (100)

بگو: اگر شما می داشتید گنجینه های رحمت پروردگار مرا آنگاه البته بخل می ورزیدید (از) ترس فقر. و است بشر تنگ دست. (100)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ مِّنْ فَسْطَلِ بْنِ إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَمُوسَىٰ مَسْحُورًا (101)

و البته به یقین دادیم ما موسی را نُه نشانه روشن؛ پس بپرس فرزندان اسرائیل را چون آمد ایشان را پس گفت برای او فرعون: هر آینه من البته می پندارم ترا ای موسی جادو کرده شده. (101)

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هِيَ إِلَّا رُبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَائِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَفِرْعَوْنُ مَثْبُورًا (102)

گفت: البته به یقین دانسته ئی تو که نفرستاده فرو این ها را (نشانه ها را) مگر پروردگار آسمان ها و زمین دلائل روشن و هر آینه من البته می پندارم ترا ای فرعون هلاک شده. (102)

فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَفِرَ هُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَعْرَفْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا (103)

پس خواست که بیرون راند ایشان را از سرزمین پس غرق کردیم او را و هر کسی که

همراه او بود همه یکجا. (103)

وَ قُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا (104)

و گفتیم ما از بعد او برای فرزندان اسرائیل: سکونت کنید زمین را پس وقتی که آمد وعده آخرت بیاوریم ما شما را همه با هم. (104)

وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَهُ وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا (105)

و به حق فرو فرستادیم ما آن را (قرآن را) و به حق فرود آمد. و نفرستادیم ما ترا مگر مزده دهنده و بیم دهنده. (105)

وَ قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا (106)

و قرآنی که حصه، حصه ساختیم ما آن را تا بخوانی آن را بر مردم به (آرامی و) تدریج و فرود فرستادیم ما آن را فرود فرستادن تدریجی. (106)

قُلْ ءَامِنُوا بِهِ- أَوْ لَا تُؤْمِنُوا- إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ- إِذَا يُنْتَلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا (107)

بگو: ایمان بیاورید به آن یا نیاورید ایمان. هر آئینه آنانکه داده شدند علم از پیش آن وقتی که می شود خوانده بر ایشان می افتند به زمین به روی های خود سجده کنان. (107)

وَ يَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا (108)

و می گویند پاکی است پروردگار ما را هر آئینه است وعده پروردگار ما البته شدنی. (108) وَ يَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَ يَزِيدُهُمْ خُشُوعًا | (109)

و می افتند به زمین به روی های خود می کنند گریه و می افزاید (قرآن) ایشان را فروتنی.

| (109)

قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ- مِمَّا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ- وَ لَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَ لَا تَخَافُوا بِهَا وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (110)

بگو: بخوانید الله را یا بخوانید الرحمن را؛ هر کدام را که بخوانید پس برای او است بهترین نام ها. و نخوان به آواز بلند نماز خود را و نخوان به آواز پائین آن را و بطلب میان این (و آن) راهی. (110)

وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ الدُّنْيَا وَ كَبَّرَهُ تَكْبِيرًا (111)

و بگو: همه ستائش و سپاس برای خدا است آنکه نگرفت فرزندی و نیست برای او شریکی در پادشاهی و نیست برای او یابوری از (به سبب) ناتوانی؛ و به تعظیم ستائش کن او را تعظیم کردن بزرگ. (111)

